



معرفی کتاب: محاولات للتفقه فی الدین: المسافة الشرعية للتقصیر

فقه و اصول :: نشریه فقه :: پاییز و زمستان ۱۳۸۲، سال دهم - شماره ۳ (ISC)

صفحات : از ۳۵۹ تا ۳۶۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/27233>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۱۰/۱۶

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



عناوین مشابه

- محاولات للتفقه في الدين- المسافة الشرعية للتقصير
- معرفی و بررسی یک کتاب: سفرنامه ای به نام «سیره المؤید فی الدین»
- معرفی کتاب؛ عین الانباء فی طبقات الاطباء نوشته ی موفق الدین احمد خزرجی مشهور به ابن ابی اصیبعه، پژوهش و برگردان دکتر محمد ابراهیم ذاکر، ج ۲، ص ۱۰۳۳، انتشارات زعیم با همکاری جامعه ی گیاه درمانی ایران، تهران، ۱۳۹۳ ش
- معرفی کتاب منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة
- معرفی کتاب سیرت جلال الدین مینکبرنی
- نقد و معرفی کتاب : المغانم المطابه فی معالم طابه
- معرفی کتاب: محیی الدین بن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی تألیف محسن جهانگیری
- معرفی مضمون کتاب «نور العین فی المشی الی زیارة الحسین (علیه السلام)»
- کتاب الأشباه و النظائر فی النحو جلال الدین السیوطی (دراس فی منهجه التنظيمی و إلقاء الضوء علی مصادره النحویة)
- معرفی و بررسی کتاب "التطورات النحویة فی اللغة العربیة من البدایه حتی الان " تحولات نحوی زبان عربی از آغاز تاکنون) با رویکرد سبک‌شناسی آماری

محاولات للتفقه

فی الدین:

المسافة الشرعية للتقصیر*

عباس نابلسی / ترجمه و تلخیص: ع. زهدی

مسئله تقصیر یا کوتاه گزاردن نماز و افطار یا خوردن روزه در سفر، از مسائل فقهی است که بسیار پیش می‌آید. چنین مسئله‌ای، در سال‌های اخیر، نظر برخی از محققان را چنان به خود جلب کرده که آنان را برانگیخته تا بر اجماع و اتفاق فقیهان متقدم و متأخر در این مسئله خرده گیرند و نگاهی نو بدان افکنند. آقایان صادقی تهرانی، احمد عابدینی و حسن خلیفه، نویسنده کتابی که اکنون معرفی می‌شود، در این موضوع دیدگاه‌هایی را بیان کرده‌اند که با نگاه مشهور متفاوت می‌نماید.

نوشتار حاضر به قلم استاد عباس نابلسی است که با تلخیص، به فارسی ارائه می‌شود. (مترجم)

عبدالهادی فضلی، در مقدمه‌ای بر این کتاب، مقوله مهم «روش‌های اجتهاد»^۱ را درمی‌افکند و در این باره، از دوروش تعامل با متون تشریحی سخن می‌گوید:

نخست روش کلامی که به پشتوانه قواعد منطقی و اصطلاحات کلامی است

و از این ضوابط و مبانی در استنباط از متون سود می‌جوید؛
دیگر روش زبانی-اجتماعی است که در مباحث درباره مبادی فقه، از آن به
اجتهاد معنایی-عرفی^۲ یاد می‌شود؛ یعنی پژوهش زبانی، عرفی و اجتماعی در
معنای متون.

موضوع کتاب مباحث کتاب، پیرامون «تعیین مسافت شرعی» است که دامنه آن، سه موضوع
و روش آن را در برمی‌گیرد:

الف. درجه مشروعیت افطار و تقصیر: وجوب؛

ب. سبب مشروعیت: مشقت؛

ج. موضوع مشروعیت: سفر.

مؤلف با پی‌گیری روش زبانی-اجتماعی به شیوه استدلالی-تطبیقی،
رسیدن به نتیجه‌ای را برمی‌رسد که هم با معنای حقیقی متن و هم با واقعیت
موجود، همواره همخوان نماید. *پژوهش‌های علمی و پژوهشی*
ترتیب مباحث کتاب نیز پس از آیات قرآن، بررسی احادیث و سپس فقه
است. مسائل یاد شده در کتاب پیرامون تقصیر و افطار، در هفت عنوان زیر
سامان می‌یابد:

۱. درجه مشروعیت: جواز یا وجوب؛

۲. مشقت: تعیین مسافت و نقش زمان در خوانش زمانی از مسافت؛

۳. مسافت ترکیبی [تلفیقی از زمان و مکان]؛

۴. دائم السفر بودن و اقامت؛

۵. حد ترخیص؛

۶. مانعی به نام اجماع؛

۷. تعیین موضوع شکستن نماز و خوردن روزه.

هدف از نگارش این کتاب، پدید آمدن مشکل‌ها و سختی‌ها در پی فتوای

کنونی برای مکلفان است، در حالی که تشریح احکام در قرآن و سنت، برای آسان کردن کار آنان بوده، نه سختگیری بر آنان.

جواز و وجوب در قرآن: نویسنده در این بخش، نزاع پیش کشیده شده در جواز یا وجوب خوردن روزه در سفر و نیز نزاع پیرامون آیه

«... فمن شهد منكم الشهر فليصمه ومن كان مريضاً أو على سفر فعدة من أيام أخر...»؛

... پس هر که از شما این ماه را درك کند، آن را روزه بدارد و

آن که بیمار یا در سفر است، تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بگیرد]... را برمی رسد.

درباره این آیه وی می نویسد:

مفهوم مخالف آیه چنین است: کسی که ماه را درك نکرد، روزه نگیرد.

مؤید نظر مؤلف نیز عبارت دیگر آیه است: «فعدة من أيام أخر».

او همچنین، آیه پیش از این آیه را نیز یاد می کند و اشکال پیرامون آن را

پاسخ می دهد. آیه چنین است:

«... فمن تطوع خيراً فهو خير له وأن تصوموا خير لكم...».

اشکال گرفته شده بر آیه، تخییر در روزه گرفتن در سفر است، اما مؤلف

می نویسد: منظور از روزه «تطوع» روزه مستحبی در غیر ماه رمضان است و

التفات از ضمیر مخاطب به ضمیر مفرد غائب (له) می تواند مؤید این فهم باشد

(ص ۱۰) که در عبارت پیش از آن می فرماید:

«... فمن كان منكم مريضاً...»

اما درباره آیه:

«وإذا ضربتم في الأرض فليس عليكم جناح أن تقصروا من

الصلاة إن خفتهم أن يفتنكم الذين كفروا ...»؛

و چون در زمین سفر کردید، اگر بیم داشتید که کافران به شما آزار رسانند، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه گزارید ...
 که دلالت بر جواز کوتاه گزاردن نماز دارد نه وجوب آن، نویسنده قرائت آیه را بی در نظر گرفتن بافت آن، ابهام آفرین می داند. از این رو، باید در چارچوب ۲۴ آیه دیگری خوانش شود که در آنها عبارت «لیس علیکم جناح» آمده است. بنا بر خوانش این آیات، گونه ای قلب معنایی^۳ به کار بستن این عبارت وجود دارد که نمی توان آن را جدای از فهم ظرف خارجی نزول آیه و بدون آگاهی از سبب نزول آن دریافت، چنان که می دانیم: آیه درباره کسانی (مسافرانی) نازل شده که از خوردن روزه خودداری کردند و عَصَا (معصیت کاران) نام گرفتند. (ص ۲۱)

جواز و وجوب در حدیث: نویسنده نخست پاره ای از احادیث منقول از طریق شیعه و سنی را یاد می کند که براساس آنها، حکم مبنی بر خوردن روزه و شکستن نماز، وجوب خواهد بود و نه جواز.
 روایت زراره از امام صادق (ع) از شمار احادیث امامیه است، درباره سخن حق تعالی که فرمود: «فمن شهد منكم الشهر فليصمه» حضرت پرسش زراره را چنین پاسخ داد:

«ما أبينها، فمن شهد فليصمه، ومن سافر فلا يصمه»؛

برای همین می گویم که هرکس [ماه را در حضر] دریابد، باید آن را روزه بدارد و آن که مسافرت کرد، روزه نگیرد.

اما اهل سنت، این روایت مشهور را یاد می کنند:

«ليس من البر الصيام في السفر»؛

روزه در سفر، عمل مطلوبی نیست.

که پیامبر آن را به لغت حمیریان چنین خواند:

«لِيسَ مِنْ امْرِءٍ امْصِيَامٌ فِي امْسَفِرٍ.»

و به دلیل شناسا بودن این مبنی در میان صحابه و تابعان، از ابن عمر چنین مشهور است که گفت:

«من لم يقبل رخصة الله كان عليه من الاثم مثل جبال عرفة»؛
آن که رخصت خداوند را نپذیرد، هم وزن کوه های عرفه،
گناه بر دوش دارد. (منظور از رخصت در این حدیث، جواز
شکستن نماز است)

مؤلف همچنین حدیث زراره و محمد بن مسلم را می آورد که آن را به طور خلاصه یاد می کنم:

این دو صحابه از امام درباره نماز در سفر پرسیدند. امام در پاسخ، آیه «وإذا ضربتم في الأرض...» را بر ایشان خواند و وجوب قصر را به آن مستند کرد. آن دو گفتند: «خدا می گوید: «فليس عليكم جناح» (گناهی نیست) و نفرمود: «افعلوا»، چگونه از این عبارت وجوب فهمیده می شود؟» امام فرمود: «همان گونه که از آیه «إن الصفا والمروة من شعائر الله فمن حج البيت أو اعتمر فلا جناح عليه أن يطوف بهما»؛^۴ سعی صفا و مروه واجب خواهد بود و عمل پیامبر (ص) نیز آن را تأیید می کند، همین گونه از آیه «وإذا ضربتم...» و عمل پیامبر (ص) نیز قصر نماز فهمیده می شود.

حسن خلیفه، همچنین نظریات صحابه، تابعان و رئیسان مکاتب فقهی اهل سنت و مذاهب آنان را برمی شمرد با جست وجو در نظریات اهل سنت، چنین برمی گیرد:

برخی خوردن روزه در سفر را واجب ندانسته اند، اما افضلیت آن را معتقد بوده اند.

مشقت از دیدگاه قرآن: در این باره به این آیه استدلال شده است:

«ومن كان مريضاً أو على سفر فعدة من أيام أخر يريد الله بكم اليسر ولا يريد بكم العسر...»؛

و آن که بیمار یا در سفر است، تعدادی از روزهای دیگر [را] روزه بگیرد]. خدا برای شما آسانی می خواهد و برایتان دشواری نمی خواهد.

ظاهر آیه، مشقت و عسر (سختی) را علت برمی شمرد و مریض و مسافر را از روزه ای که بر مشقت آنان می افزاید، باز می دارد؛ در نتیجه هم قاعده و هم استثنا را برمی شمرد: قاعده برای حاضران در شهر و افراد سالم و استثنا برای بیماران و مسافران. این مسئله نیز با عدالت الهی که تکلیف را بر دوش همگان می نهد و با رحمت او که بر مکلفان، آسان می گیرد، سازگار می نماید.

مشقت از دیدگاه حدیث: مؤلف، نخست پاره ای از احادیث را که در آنها «مشقت» یا مترادف های آن آمده، یاد می کند. از آن شمار حدیثی در «المقنعة» از محمد بن محمد است:

«قال (ع): ويل لهؤلاء الذين يتمون الصلاة بعرفات، أما يخافون الله؟ فقل له: فهو سفر؟ فقال: وأى سفر أشد منه؟!»؛

امام (ع) فرمود: وای بر کسانی که نماز را در عرفات تمام می خوانند. آیا از خدا نمی ترسند؟ به ایشان گفته شد: آیا آن (عرفات) سفر به شمار می رود؟ فرمود: چه سفری سخت تر از آن! امام در این جا در جایگاه یادکرد از سبب کوتاه گزاردن نماز بوده است؛ یعنی همان مشقت که به انسان می رسد و برای همین خداوند، از روی رحمت و برای فروکاستن از رنج و سختی و دشواری سفر، به تقصیر نماز امر می فرماید.

اما درباره تعیین مشقت، مرجع در این باره، در مورد بیماری خود فرد و در مورد مسافر، همان عرف و اجتماع خواهد بود و نه اشخاص. جامعه، هم سختی و هم راحتی را می شناسد و هر یک را تشخیص می دهد؛ روایات نیز این نکته را تأیید می کنند. (ص ۳۲)

اما در مورد نظریات فقهی (فتواها) که مشقت را موضوعی مرتبط با حکم افطار و تقصیر برمی شمرد، شماری از فقیهان، مانند: سید مرتضی (ص ۳۵)، آن را سبب کوتاه گزاردن نماز و ناتمام نهادن روزه می دانند.

تعیین مسافت از دیدگاه حدیث: احادیث در تعیین مسافت مختلف اند؛ برخی از آنها واحدهای طولی را یاد کرده اند (فرسخ، برید، میل)؛ پاره ای واحدهای زمانی (روشنایی روز، مسافت یک روز) و دسته ای هر دو را. این دسته اخیر، عللی نیز یاد می کنند. که می توان از آنها برای حل اختلاف مضمون های روایات کمک جست و آنها را بر دیگر روایاتی که از علت یاد نکرده اند، حاکم دانست.

مؤلف این احادیث را ذکر می کند و در جمع بندی می گوید:

تنها راه حل فراروی ما، برای از بین بردن اختلاف این احادیث، ترجیح یکی از این سه دسته است: و چون ترجیح، به دلیل (مُرَجَّح) نیاز دارد و ظاهر متون تعیین کننده مسافت، مرجّحی در بر ندارند، پس بر قاعده «حکومت» تکیه می کنیم؛ یعنی حاکم بودن برخی از این متون بر پاره ای دیگر به عللی که مهم ترین آنها، ذکر سبب کوتاه گزاردن نماز است که در دسته سوم شاهدیم.

از جمله روایات دسته سوم، روایتی منقول از امام رضا(ع) است:

«إنما وجب التقصير في ثمانية فراسخ لأقل من ذلك ولا أكثر،

لأن ثمانية فراسخ مسيرة يوم للعامة والقوافل والأثقال، فوجب

التقصير في مسيرة يوم...»؛

کوتاه گزاردن نماز در هشت فرسخ واجب شد، نه کمتر نه بیشتر،

زیرا هشت فرسخ طیّ طریق برای عامه مردم، کاروان‌ها و باربران است. از این رو، حدّ تقصیر، مسافت یک روزه است...

مؤلف، روایت را چنین تفسیر می‌کند:

این که پیمودن هشت فرسخ، حدّ تقصیر قرار داده شده، از آن روست تا به ما بفهماند این حصر، قراردادی است نه حقیقی و از همین منظر است تعلیل بعد از آن که می‌گوید: هشت فرسخ، طیّ طریق کاروان‌ها و... است؛ چه، اگر حصر حقیقی بود، به تعلیل نیازی نبود.

مؤلف این چنین بر وجود بحران اجتهاد در میان فقیهانی که تعلیل حکم تقصیر را در روایات قبلی ندیده‌اند، انگشت می‌نهد.

اما حتی اگر به معیار زمانی (مسافت یک روز) مورد نظر نویسنده قائل شویم، باز مشکلی که رخ می‌دهد، تفاوت بسیار وسایل حمل و نقل است. برای نمونه، اگر ماشینی بتواند در روشنایی روز (دوازده ساعت)، ۱۲۰۰ کیلومتر را بپیماید، یک هواپیما می‌تواند در همین زمان، هزاران کیلومتر را بپیماید و کشتی نیز با سرعتی کندتر از سرعت ماشین و هواپیما حرکت می‌کند. حال، آیا تفاوت میان سرعت اسب و شتر، بر تفاوت میان سرعت ماشین و هواپیما هم صدق می‌کند؟ یا این که این تفاوت، همانند تفاوت میان سرعت ماشین مسافربر و ماشین مسابقه است؟ یا تفاوت میان هواپیمای مسافربری و کنکورده که با سرعت مافوق صوت پرواز می‌کند؟

برای حلّ مشکل، محقق به روایت زیر استناد می‌کند:

«سئل أبو عبدالله (ع) عن رجل أتى يتسوق سوقاً بها، وهي من منزله أربعة (سبعة) فراسخ، فإن هو أتاها على الدابة أتاها في بعض يوم، وإن ركب السفن لم يأتها في يوم، قال: يتمّ الراكب الذي يرجع من يومه صوماً، ويقصر صاحب السفينة»؛

از امام صادق (ع) درباره شخصی پرسیدند که کار او در بازار است و آن

بازار تا خانه اش، چهار (یا هفت) فرسخ فاصله دارد. اگر او سوار بر مرکب شود، همان روز به بازار می‌رسد و اگر سوار بر کشتی شود، یک روزه نمی‌تواند به بازار برسد. فرمود: سواره‌ای که همان روز برمی‌گردد، روزه را کامل بگیرد و سرنشین کشتی روزه ناتمام و نماز را کوتاه گزارد.

بر این اساس، نتیجه می‌گیرد که معیار تفاوت میان سرعت‌ها، یکسانی عرصه حرکت است؛ یعنی در خشکی ماشین‌های دارای سرعت‌های مختلف، در پهنه دریا کشتی‌ها و در هوا، هواپیماهای مختلف - معیار زمانی با توجه به سرعت‌های متفاوت در هر کدام از این عرصه‌ها خواهد بود.

پس معتبر و متعارف در خشکی، سرعت ماشین‌های عادی است و نه ماشین‌های مسابقه (مانند تفاوتی که در متون میان شتر باربر و شتر جمّاز نهاده‌اند)؛ در هوا، سرعت هواپیماهای مسافربری مورد نظر است و نه هواپیماهای مافوق صوت یا موشک و سرانجام در پهنه دریا، سرعت کشتی‌های مسافرتی معتبر است و نه ناوشکن‌های سریع‌السیر ...

پس یکسانی عرصه (معیار استنباطی پیش گفته شده در روایات) واقع‌نگری و انعطاف را برای معیار زمانی به ارمان می‌آورد تا پا به پای تحول فن‌آوری در وسایل حمل و نقل و سفر پیش رود. (ص ۵۸)

دائم السفر: کثیر السفر آن را گویند که در شهرش ده روز اقامت ندارد، اما نویسنده درباره کیفیت سفر، معتقد است که کثیر السفر به هر قصدی مسافرت کند (کاری، درسی و مسافرت)، نمازش را باید تمام بخواند.

تعیین موضوع: شاید مهم‌ترین نکته کتاب آن است که نویسنده، بر اساس این متون توانسته موضوع حکم (حکم شکسته شدن نماز و افطار روزه) را به روشنی برنماید. وی موضوع حکم را نه مسافت که سفر می‌داند و مسافت را

شرط آن به شمار می‌آورد. از این رو، پیمودن یک روز راه، شرط حکم از پیش تعیین شده یعنی سفر است که با تحقق مشقت نوعی نیز (به حسب فهم نویسنده از متون) می‌سازد. وی در این باره، پژوهشی پزشکی را نیز برای تأیید و پشتوانه این متون و نتیجه استنباطی خود می‌آورد.

به نظر من، اگر فقیهان به مشخص شدن موضوع حکم در قرآن، یعنی «علی سفر» (که بدان تصریح شده است) توجه کنند و «مسافت» را موضوع حکم ندانند. بر فرض آن که متون مسافت را در یک روز پیمودن تعیین نکرده باشند. قطعاً به این نتیجه می‌رسند که در زمان ما، طی کردن «هشت فرسخ» مسافت عرفی، به شمار نمی‌آید.

البته تنها سفر را موضوع حکم دانستن بسنده نمی‌کند، زیرا مسافرت باید همراه با مشقت باشد که این مشقت از نظر زمانی، به اندازه روشنائی روز (دوازده ساعت) است، اگرچه تلفیقی (شش ساعت رفت و شش ساعت برگشت) باشد.

در پایان، ناگفته نماند که اثر سید حسن خلیفه، کاری علمی و مصداق مفتوح بودن باب اجتهاد در مکتب فقهی اهل بیت است؛ فقهی که پیایی با پویایی و شادابی، در طول زمان، راه حل‌ها و پاسخ‌هایی را برای مشکلات درمی‌افکند.

پی‌نوشت‌ها:

* مشخصات کتاب شناختی: از مجموعه (سلسله قضایای اسلامیة معاصرة)، بیروت، دارالهادی، چاپ اول، ۱۴۲۲/۲۰۰۱.

۱. طرائق البحث الاستدلالی.

۲. البحث الدلالی العرفی.

۳. الانزیاح الدلالی.

۴. در حقیقت، «صفا» و «مروه» از شعائر خداست [که او را به یاد می‌آورد]؛ پس هر که خانه [خدا] را حج کند، یا عمره گزارد، بر او گناهی نیست که میان آن دو، «سعی» به جای آورد... (سوره بقره / آیه ۱۵۸).